

راهنمایی‌های ارزشمند درباره لباس و آرایش زنان

نویسنده:

مرفت بنت کامل أسره

ترجمه

إسحاق بن عبد الله دبيري العوضي

۱۳۸۵/۱۴۲۷ هـ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مضلَّ له ومن يضلل فلا هادي له، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله. ثم أما بعد:

از ظریفترین خصوصیات زنان، توجه زیاد به ظاهر خود و آراستگی و آرایش است، که این خصوصیت از زمان کودکی نمایان می‌شود.

خداوند تعالی می‌فرماید: ﴿أَوْ مَنْ يُنشِئُوا فِي الْحَلِيَّةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ

مُبِينٍ ﴿١٨﴾. (الزخرف: ۱۸).

«آیا کسی را که در لابه‌لای زینت و زیور پرورش می‌یابد، و به هنگام گفتگو و کشمکش در بحث و مجادله (به خاطر حیا و شرم و عاطفهٔ نازکی که دارد) نمی‌تواند مقصود خود را خوب و آشکار بیان و اثبات کند. (فرزند خدا می‌دانید)».

و هرگاه توجه زن به آراستگی خود برای خوشحال کردن همسرش باشد، باعث نزدیک شدن او به خداوند - عزوجل - می‌گردد، همچنان که در حدیث ابوهریره رضی الله عنه آمده است که گفته‌اند: «سئل رسول الله ﷺ أي النساء خير؟ قال: «الذی تسره إذا نظر إليها، وتطيعه إذا أمر، ولا تخالفه حيناً يكره في نفسها وماله»^۱، از رسول الله ﷺ پرسیده شد: بهترین زنان کدامند؟ فرمودند: «زنی که هر گاه شوهرش به او نگاه کند باعث خوشحالی او

^۱ - أحمد و دیگران و آلبانی آن را صحیح شمرده است.

می‌شود، و هنگامی که شوهر به او دستور می‌دهد می‌پذیرد، و [مواردی که] شوهر دوست دارد علیرغم میل زن درباره او و مالش انجام شود زن با آنها مخالفت نمی‌کند». زنان و دختران مسلمان باید قبل از اینکه درباره آرایش و لباس تصمیم بگیرند به بررسی و تحقیق و پرسش در مورد احکام مرتبط با این امور، اقدام کنند. خصوصاً در این زمانه که اعمال ناپسند شیوع و بی‌دینی رواج پیدا کرده و زبانه آتش مدهای لباس پوشیدن، آرایش مو، لوازم آرایشی، و دیگر اصطلاحاتی که زنان در این مورد استفاده می‌کنند، فراگیر شده است.

[اهمیت دادن به موضوع بدین علت است که] خداوند - سبحانه و تعالی - ما را مورد بازخواست قرار خواهد داد و در مورد تمام کارهایمان در این دنیا سؤال می‌کند، پیامبر ﷺ می‌فرماید: «لا تزول قدما ابن آدم يوم القيامة من عند ربه حتى يسأل عن خمس: عن عمره فيم أفناه، وعن شبابه فيم أبلاه، وعن ماله من أين اكتسبه وفيم أنفقه، وماذا عمل فيما علم». ^۱ «در روز قیامت انسان همچنان ثابت در مقابل پروردگار باقی می‌ماند تا اینکه دربارهٔ ۵ مورد از او سوال شود: از عمرش که در چه راهی آن را سپری کرده است، و جوانی‌اش که چگونه گذرانده، و مالش که از چه راهی به دست آورده و در چه راهی خرج کرده است، و تا چه حدی به آموخته‌های خود عمل نموده است».

بلکه خداوند - جل و علا - از ظریفترین مسائل و ساده‌ترین آنها از ما سؤال خواهند نمود همانطور که قرآن به آن اشاره می‌کند: ﴿وَلْتَسْأَلَنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾. (النحل: ۹۳).

^۱ - الترمذی و آلبنی آن را حسن شمرده است.

«و بی‌تردید در برابر کارهایی که می‌کنید [مسئولید و] از شما بازخواست می‌شود» یعنی خداوند در روز قیامت از شما درباره تمام کارهایتان می‌پرسد و مطابق آن به شما پاداش می‌دهد. [از کوچکترین اعمال حتی اعمالی که مانند: رشته نازک میان هسته خرما و سوراخ کوچکی که در پشت آن قرار دارد و پوسته نازکی که دور آن هست پرسیده می‌شود]. وقتی که از اموری تا این اندازه کوچک سوال می‌شود پس در مقابل، مسائل بزرگ چگونه برخورد می‌شود؟

خواهر عزیزم این نوشته دربارهٔ یادآوری احکام شرعی درباره لباس و آرایش است که باید آن را رعایت نماییم، تا از دچار شدن به بسیاری از ناهنجاریهای موجود که تعداد زیادی از زنان و دختران آن را کم اهمیت می‌پندارند، مصون بمانیم. از خداوند - عزوجل - خواستارم که لباس پرهیزگاری را بر ما بپوشانند و ما را با ایمان زینت ببخشند.

همچنین خواستاریم که با خوبیهایمان ترازوی اعمالمان را سنگین بنمایند. و خطاها و لغزشها و کمبودهای ما را ببخشایند.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.

قوانین کلی این درباره لباس و آرایش

در ابتدا باید به مشخص کردن مهمترین قوانین اصلی که به طور کلی در زندگی و به ویژه در زمینه لباس و آرایش باید به آن پایبند باشیم پردازیم، که عبارتند از:

۱- خودداری از کسب مال حرام.

۲- اجتناب از اسراف کردن.

۳- عدم تقلید.

۴- پرهیز از محرّمات.

اولاً: خودداری از به دست آوردن مال حرام:

یکی از مهمترین مسائلی که در زندگی باید تاکید زیادی بر آن داشته باشیم: اجتناب از به دست آوردن مال حرام، و دوری از آن است. چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿وَتُحِلُّ

لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَتُحْرَمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثُ﴾. (الأعراف: ۱۵۷).

«طبیّات و آنچه را طبع سلیم می‌پسندد، برای آنها حلال می‌شمرد، و آنچه خبیث و تنفرآمیز باشد بر آنها تحریم می‌کند».

بلکه عاقبت کسب حرام، قبول نشدن دعا می‌باشد. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «یا أيها الناس إن الله طیب لا یقبل إلا طیباً. وإن الله أمر المؤمنین بما أمر به المرسلین» یعنی: «خداوند پاک است و به جز پاکی چیزی را قبول نمی‌کند، و خداوند به مومنین همان دستوری را داده‌اند که به مرسلین داده‌اند» خداوند می‌فرماید: ﴿يَتَأْتِيهَا الرُّسُلُ كُلُّوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ

وَأَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾. (المؤمنون: ۵۱).

«ای پیامبران! از غذاهای پاکیزه بخورید و عمل صالح به جا آورید که من به آنچه شما انجام می‌دهید آگاهم». و پیامبر این آیه را می‌خواندند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ﴾. (البقره: ۱۷۲).

پیامبران [این آیه را] خواندند: «ای افراد با ایمان از نعمتهای پاکیزه که به شما روزی داده‌ایم بخورید»، و سپس از مردی یاد کردند که سفر طولانی داشته است، در حالی که ژولیده و غبار آلوده است، دستهایش را به طرف آسمان دراز می‌کند [و می‌گوید]: ای پروردگرم، ای پروردگرم. و [این در حالی است که] غذا، نوشیدنی و لباسش حرام است و با حرام تغذیه شده، پس چگونه دعایش مستجاب می‌شود؟^۱.

امروزه راههای مختلفی برای کسب مال حرام وجود دارد که مجالی برای بر شمردن همه آنها در اینجا وجود ندارد، و از بین آنها فقط به ذکر یک مورد پسندیده می‌کنم که نسبت به بقیه شیوع بیشتری پیدا کرد و آن، گرفتار شدن به ربا است. ربا گناه بسیار بزرگ و از جمله معصیتهای نابود کننده می‌باشد، همانطور که در حدیث پیامبر ﷺ نقل شده است که فرمودند: «اجتنبوا السبع الموبقات» و ذکر منها: «وأكل الربا»^۲ [می‌فرمایند]: که از هفت گناه نابود کننده بر حذر باشید». که از جمله آنها «ربا خوردن» را ذکر کرده‌اند.

گناه ساده‌ترین نوع ربا، برابر با نفرت انگیزترین معصیت است. پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «الربا اثنتان وسبعون باباً أدناها مثل إتيان الرجل أمه، وإن أربى الربا استطالة الرجل في

^۱ - مسلم.

^۲ - متفق علیه.

عرض أخیه^۱، «ربا هفتاد و دو درجه دارد پایین‌ترین آن مثل این است که شخص با مادرش زنا کند، و بالاترین درجه ربا تجاوز شخص به ناموس برادرش می‌باشد». یکی از انواع ربا که بعضی از زنان به آن دچار می‌شوند هنگام خرید و فروش طلا است، که شیخ محمد بن صالح بن عثیمین رحمته الله دربارهٔ این نوع ربا چنین فتوا داده است: سؤال: امروزه طلا فروشیها طلای مستعمل را مثلاً با قیمت هر مثقال سی هزار تومان می‌خرند و طلای جدید را هر مثقال چهل هزار تومان می‌فروشند. حکم این مساله چیست؟

جواب: عوض کردن طلای قدیمی با طلای جدید که مبلغی [نیز برای خرید] باید به آن اضافه کرد، جایز نیست. این کار حرام و نارواست و این قضیه با داستان بلال رضی الله عنه که در صحیحین و کتابهای دیگر به تثبیت رسیده مشخص می‌شود [آمده است که]: «بلال رضی الله عنه برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خرمای مرغوبی آورد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به او گفتند: «این خرما را از کجا آورده‌ای؟» بلال رضی الله عنه گفت: [مقداری] خرمای نامرغوب داشتیم پس دو پیمانه از آنرا در مقابل یک پیمانه [از این خرمای خوب] فروختم تا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از آن بخورند. پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند «أوه لا تفعل عین الربا عین الربا»: «آه. هرگز این کار را نکن، زیرا چیزی که شبیه ربا باشد خود ربا است». پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مشخص کرده‌اند که مازادی که به علت اختلاف صفات چیزهایی که باید [در هنگام معامله] با هم برابر باشند این مازاد اصل ربا است. و شخص نمی‌تواند این کار را انجام دهد، ولی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم طبق عادتشان،

^۱ - الحاکم و آلبانی آن را صحیح شمرده است.

[بلال رضی الله عنه] را به راه مباح راهنمایی کردند، پس پیامبر صلی الله علیه و آله به او یاد داد که خرمای کهنه را بفروشد و سپس با پول آن خرمای تازه بخرد. بنابراین می‌گوییم: اگر زنی طلای کهنه داشت یا اینکه مردم دیگر از آن مدل استفاده نمی‌کردند، پس باید آن را در بازار بفروشد، و پولش را بگیرد و با آن طلای خوبی را که انتخاب کرده است بخرد.

این روشی است که پیامبر صلی الله علیه و آله برای ما معین کرده‌اند.^۱

سوال: کسی که طلایی خریده است و معامله تمام شده و پول آنرا پرداخت کرده است ولی مقداری از آن باقی مانده باشد، آیا جایز است که برود و بعد از مدت کوتاهی باقیمانده پول را مثلاً از داخل ماشین یا از بانک بیاورد و تا زمان آوردن بقیه پول، طلا را تحویل نگیرد، آیا این کار درست است، یا اینکه باید بعد از آوردن باقیمانده پول دوباره صیغه معامله جاری شود؟

جواب: بستن دوباره قرارداد بعد از آوردن باقیمانده مبلغ بهتر است، و این کار هیچ ضرری بجز تکرار صیغه قرارداد ندارد، و بهتر است تا آوردن مبلغ کامل پول، قراردادی بسته نشود. زیرا قبل از اینکه کامل بودن مبلغ هیچ دلیلی برای بستن قرارداد وجود ندارد. والله الموفق.^۲

^۱ - کتاب «من الاحکام الفقیه فی الفتاوی النسائیه» ص ۲۶.

^۲ - کتاب «الفتاوی الإسلامیه»، (۳۵۹/۲).

سوال: حکم معامله با چک در هنگام خریدن طلا چیست، این در صورتی است که پول باید هنگام خرید پرداخت شود، و از آنجا که بعضی از مردم ترس به خطر افتادن جانشان و به سرقت رفتن پولشان را دارند، معاملاتشان را به وسیله چک انجام می‌دهند؟

جواب: در خرید و فروش طلا و نقره جایز نیست که با چک معامله شود، به این دلیل که چک، قبض پرداخت نیست بلکه فقط یک سند حواله است. با این دلیل که شخصی که چک را تحویل گرفته اگر نتواند مبلغ آنرا دریافت کند یا چک گم شود به شخصی که چک را از او گرفته است مراجعه می‌کند، و اگر قبض پرداخت باشد این کار صورت نمی‌گیرد. توضیح بیشتر این که اگر شخصی قطعه طلایی را بخرد و پول آنرا پرداخت کند و فروشنده پول را دریافت کند و آن مبلغ را از دست بدهد، دوباره به خریدار مراجعه نمی‌کند. ولی اگر از خریدار چک دریافت کرده است و آنرا به بانک برد تا نقد کند، و چک را گم کرد، یا نتوانست این کار را انجام دهد برای دریافت پول به خریدار مراجعه می‌کند، این عمل نشان می‌دهد که چک یک قبض پرداخت نیست. و اگر قبض پرداخت نباشد خرید و فروش به وسیله آن درست نیست. برای این که پیامبر ﷺ دستور داده‌اند که خرید و فروش طلا و نقره دست به دست باشد. مگر اینکه چک از طرف بانک تایید شده باشد یا اینکه فروشنده با بانک تماس بگیرد و بگوید که بانک پول را بعنوان امانت برای او نگهدارد، [و از وجود پول در آن حساب مطمئن شود]. در این صورت اجازه دارد [که چک را قبول کند]. والله اعلم.^۱

^۱ - کتاب «الفتاوی الإسلامیه»، (۲/۳۶۰).

سوال: حکم امتناع از تحویل دادن طلا چیست؟ و این کار هنگامی است که خریدار مقداری از مبلغ را پرداخت کرده است و تا زمان پرداخت کامل مبلغ، طلا نزد فروشنده باقی بماند؟

جواب: این کار جایز نیست، برای این که هر گاه طلا فروخته شد از شرایط خرید و فروش این است که کالا از فروشنده به خریدار منتقل شود، و این کار [عدم انتقال کالا به خریدار] حرام است. بلکه فروشنده باید مبلغ کامل را دریافت کند سپس خریدار اگر خواست طلا را نزد او بگذارد و اگر خواست طلا را بگیرد، ولی اگر خریدار مقداری پول گرو بگذارد تا فروشنده طلا را نفروشد و خریدار برود و باقیمانده پول را بیاورد و عقد قرارداد را تمام کند، بعد از آن این کار جایز است، برای اینکه هیچ قراردادی قبل از حاضر بودن مبلغ بسته نمی‌شود.^۱

سوال: کسی که طلایی می‌خرد و مقداری از مبلغ آنرا پرداخت نکرده است و گفته باقیمانده آنرا هر وقت که توانستم می‌آورم، حکم او چیست؟

جواب: این کار جایز نیست و اگر این کار را انجام بدهد، این عمل در مقابل مبلغی از کل قیمت شیء مورد معامله که از خریدار تحویل می‌گیرد صحیح است، و دربارهٔ بقیه مبلغ (که از او نگرفته است) صحیح نیست، زیرا پیامبر ﷺ دربارهٔ خرید و فروش طلا و نقره فرموده‌اند که: «بیعوا کیف شئتم إذا کان یداً بیداً»، «اگر [خرید و فروش طلا نقره] دست به دست بود، هر طور که خواستید آن را خرید و فروش کنید».^۲

^۱ - منبع سابق (۳۶۰/۲).

^۲ - منبع سابق، (۳۶۱/۲).

پس خواهر عزیزم مواظب اموالت باش تا به هیچ کدام از انواع مختلف ربا آلوده نشود، و به یاد داشته باش که در روز قیامت از تو درباره راههای کسب و خرج اموالت سوال خواهد شد. آن روز، روزی است که مال فرزندان [برای انسان] فایده‌ای ندارند مگر کسی که با قلبی مطمئن در نزد خداوند حاضر شود، چنانچه در حدیثی که قبلاً ذکر شد [نقل شده است]: «... وماله من این اکتبسه وفیم أنفقه»، «... و دربارهٔ مالش [از او سوال می‌شود] که از کجا به دست آورده و در چه راهی خرج کرده است».

سپس آیا برای این سوال جوابی آماده کرده‌ای؟!

ثانیاً اجتناب از اسراف کردن:

یکی از قوانین اصلی اسلام که در زندگی‌مان باید طبق آن عمل کنیم میانه‌روی و عدم اسراف در تمامی جلوه‌های زندگی مخصوصاً در لباس پوشیدن و خودآرایی می‌باشد. با یک نگاه گذرا به وضعیت خودمان متأسفانه مشاهده می‌کنیم که بسیاری از ما فریب خریدن لباسهایی با مارک خارجی و گران قیمت را خورده‌ایم تا حدی که پیروی از مد روز و خرید بیش از حد این مارکها با هر قیمتی که باشد، عادت بسیاری از ما شده است. اسراف در خرید لباس معمولاً اسراف در تزیینات را به همراه دارد و باعث شده است کالاهای فروشندگان طلا، جواهر، ساعت و دیگر کالاهای تجملاتی آن چنان متقاضیان و مشتریان فراوانی پیدا کنند که قبلاً چنین سابقه‌ای نداشته است!

بلکه در بین ما کسانی هستند که برای هر لباسی جواهر متناسب با آن را اختصاص داده‌اند، و هر لباس جدیدی تنها به یک مناسبت اختصاص دارد آن را فقط در آن مناسبت می‌پوشند و دیگر نمی‌پوشند! حتی کمدهای لباس و تزیینات تاب تحمل

محتویات خودشان را ندارند! خواهر عزیزم آیا بیاد نمی‌آوری... که ما در این دنیا مثل مسافر هستیم؟!^۱

زمانی که سلمان رضی الله عنه در بستر مرگ بود، گریه کرد و گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله ما را مأمور کاری کردند پس ما آن مأموریت را انجام ندادیم، و آن [مأموریت] این بود که هر کدام از ما از مال دنیا به اندازه توشه یک مسافر به همراه داشته باشیم. سپس گفت: ^۱ به آنچه که [سلمان رضی الله عنه از دارایی] به جا گذاشته بود نگاه کردیم که قیمت آن بیست و چند یا سی و چند درهم بود.^۲

کاش می‌دانستیم که ما کجاییم و آن [صحابی] رضی الله عنه کجاست؟ و چه مقدار از مال دنیا از خود به جا می‌گذاریم؟ و تا کی در خواب غفلت غوطه‌ور خواهیم بود؟ ای دوست من آیا در نظر نمی‌گیری که این مال امانتی است که بر گردن ما است و در روز قیامت که روز حسرت و پشیمانی است از ما درباره آن سوال خواهند کرد.

وقتی که از شیخ عبدالعزیز بن باز رحمته الله پرسیده شد: آیا صحیح است که انسان در روز قیامت به خاطر لباسی که پوشیده است مورد بازخواست قرار می‌گیرد؟ ایشان رحمته الله جواب دادند: بله، همانگونه که در حدیث شریف نقل شده است، از انسان درباره مالش که از کجا به دست آورده و در چه راهی خرج کرده سوال می‌شود.^۳

^۱ - یعنی: راوی حدیث گفت.

^۲ - أحمد در مسند، (۴۳۸/۵).

^۳ - کتاب «فتاوی المرآة»، ص ۱۶۴.

از شیخ دکتر صالح فوزان - حفظه الله - پرسیده شد: با این دلیل که خداوند دوست دارند ببینند که بندگان از نعمتهایش استفاده می‌کنند، بعضی از زنان برای خرید لباسها و جواهراتشان مبلغ هنگفتی را خرج می‌کنند، شما در این باره چه توضیحی می‌دهید؟ ایشان - حفظه الله تعالی - چنین جواب دادند که: کسی که خداوند مال حلالی به او عطا کرده است، پس خداوند به او نعمتی ارزانی داشته است که باید شکر آن را به جا آورد، که این کار با بخشش کردن مال و خوردن و پوشیدن که از روی اسراف و فخر فروشی نباشد صورت می‌گیرد. اعمال بعضی از زنان مانند زیاده‌روی در خرید وسایل، بیشتر آنها هیچ دلیلی به جز فخر فروشی و همراهی با تبلیغات تولید کنندگان و فروشندگان کالاها ندارد. همه اینها اسراف و تبذیر است و موجب از بین رفتن اموال است که از آن نهی شده است. بر زن مسلمان واجب است که در این زمینه میانه‌روی کند و از خودآرایی و زیاده‌روی در آرایش کردن مخصوصاً هنگام خارج شدن از منزل خودداری نماید.^۱

خواهر عزیزم! قبل از اینکه برای خریدن لباس و جواهراتی که حمل آنها راحت است و قیمت‌های بالایی دارند تصمیم بگیری، گفتار پیامبر ﷺ را در نظر داشته باش که: «من ترک اللباس تواضعاً لله وهو يقدر عليه دعاه الله يوم القيامة على رؤوس الخلائق حتى يخيره من أي حلال الإیمان شاء يلبسها»^۲، «کسی که از پوشیدن لباسی به خاطر تواضع در برابر خداوند خودداری کند، در حالی که می‌تواند آن را بپوشد، خداوند او را در روز قیامت

^۱ - کتاب «الفتاوی الجامعه للمراه المسلمه»، (۹۰۱/۳).

^۲ - الترمذی و دیگران و آلبانی آنرا حسن شمرده است.

از بین تمام مخلوقات فرا می‌خواند و به او اجازه انتخاب هر کدام از لباسهای ایمان که می‌خواهد بپوشد، می‌دهد».

همواره این نکته را در نظر بگیریم که زیاده‌روی در خرج کردن اموال برای خرید بیش از حد نیاز لباس و وسایل زینتی و دیگر ضروریات زندگی، چیزی جز اسراف نیست که خداوند در قرآن ما را از آن بر حذر داشته است: ﴿إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ ۗ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا﴾ (الإسراء: ۲۷).

«تبذیرکنندگان برادران شیاطینند (چرا که نعمتهای خدا را کفران می‌کنند) و شیطان، در برابر پروردگارش بسیار ناسپاس بود (و تمام توان خویش را در فساد و نافرمانی از خدا می‌گذارند. اسراف هم فساد و نافرمانی است، از آن خویشتن را بر حذر دارید تا همچون شیاطین به شمار نیائید و با ایشان در آخرت به دوزخ نیفتید)».

پس قبل از اینکه به حساب اعمال ما رسیدگی کنند باید با خودمان به اعمال خودمان رسیدگی و تلاش کنیم که با در اختیار قرار ندادن زمام امور به دست نفس برای رسیدن به خواسته‌هایش، پیروی از لذتهای زودگذر دنیا را، ترک کنیم.

باید همواره حدیث رسول الله ﷺ را به یاد بیاوریم: «یا معشر النساء تصدقن ولو من حلین فإینکن أكثر أهل جهنم یوم القیامة»^۱.

«ای زنان صدقه بدهید و حتی اگر از زینتهایتان باشد، برای اینکه در روز قیامت بیشتر أهل جهنم شما هستید».

^۱ - أحمد و البانی آنرا صحیح شمرده است.

ثالثاً پرهیز از پیروی از دیگران:

اهمیت این بخش اگر از دو بخش قبلی بیشتر نباشد، کم اهمیت‌تر از آنها نیست، و منظور از آن عدم الگو برداری و مشابهت با دیگران در ظاهر و باطن می‌باشد که این کار حرام است مطابق با فرموده کلی پیامبر ﷺ: «من تشبه بقوم فهو منهم»^۱، «کسی که از گروهی تقلید کند، از جمله آنها است».

تقلید دو نوع است:

الف) مشابهت با غیر مسلمانان.

ب) خود را به شکل مردان در آوردن.

الف) مشابهت با غیر مسلمانان

از نتایج شکست روحی که بسیاری از زنان و دختران امروز با آن زندگی می‌کنند، گرفتار شدن آنها به مشابهت با غیر مسلمانان در جوانب مختلف زندگی از جمله بارزترین انواع آن: لباس و آرایش می‌باشد.

و آنچه که - در اینجا - باید به آن توجه کرد این است که تقلید یا هماهنگی در ظاهر به آرامی موجب همسان شدن در باطن می‌شود. همانطور که شیخ الاسلام ابن تیمیه^۲ اشاره کرده است، که از ثمرات آن به وجود آمدن تدریجی محبت در قلب می‌باشد، در این صورت قیدهای دوستی و صداقت در بافت عقیده کم کم از هم

^۱- أبو داود و دیگران و آلبانی آنرا صحیح شمرده است.

^۲- برای اطلاع بیشتر به کتاب «اقتضاء الصراط المستقیم» مراجعه شود.

می‌باشد! دوستی، صداقت و محبت به خاطر خداوند و متنفر شدن به خاطر خداوند از مهمترین عوامل سازنده ایمان هستند و پیامبر ﷺ می‌فرماید: «أوثق عرى الايمان الحب في الله».

«محکمترین نشانه ایمان دوست داشتن به خاطر خداوند و متنفر شدن برای رضای خداوند می‌باشد».

پس دوست داشتن به خاطر خداوند باید شامل هر کسی شود که در داخل دایرهٔ توحید باشد، و متنفر شدن به خاطر خداوند شامل کسی می‌شود که در هر زمان و مکانی از دایره ایمان خارج شود.

از نمونه‌های تقلید زنان از غیر مسلمانان در زمینه لباس که امت به آن دچار شده است و در دوران اخیر بین دختران جوان نمایان شده است، پوشیدن لباسهای قرمز رنگ و تبادل گل‌های قرمز در روز (۱۴ فوریه) بزرگداشت جشن عشق - جشن کشیش والتاین - می‌باشد که تمام جزئیات و کلیات آن حرام است، برای اینکه شبیه جشنهای کفار است، و شیخ الاسلام (ابن تیمیه) صورتهای مختلفی از مواردی که متعلق به جشنهای کفار می‌باشد و مسلمانان به آن دچار می‌شوند، شرح داده‌اند، ایشان: گفته‌اند: «برای مسلمانان جایز نیست که از کفار در مورد اموری که مخصوص اعیاد آنها است تقلید کنند، نباید از غذا و لباس و غسل و آتش روشن کردن آنها تقلید کنند، و روشهای مرسوم زندگی و عبادت را تغییر بدهند، و مثل آنها سور بر پا کنند و هدیه بدهند. فروختن چیزهایی که از آنها برای چنین کارهایی استفاده می‌شود حرام است. ترغیب

کردن کودکان به بازیهایی که آنها در این اعیاد انجام می‌دهند و همچنین خود آرایی به روش آنها حرام می‌باشد.^۱

به طور کلی بهتر است که ما به دین خودمان افتخار کنیم و در ظاهر و باطن متکی به شخصیت اسلامی خودمان باشیم، و از روش غیر مسلمانانی که بر صفحه تلویزیون یا در مجلات ظاهر می‌شوند پیروی نکنیم. شیخ محمد بن صالح بن عثیمین رحمته الله می‌گوید: نباید از مجلات لباس پیروی کرد و این مجلات که لباسها را عرضه می‌کنند باید کنترل شوند، زیرا [پوشیدن] هر لباسی حلال نیست، و این گونه لباسها به علت تنگی و ... باعث ظاهر شدن عیب‌ها و نمایان شدن بدن می‌شوند و جزو لباسهایی هستند که مخصوص کفار می‌باشد. همانگونه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است، الگوبرداری و تقلید از کفار حرام است: «من تشبه بقوم فهو منهم»، «کسی که از گروهی تقلید کرد از جمله آنها است»، پس من به همه مسلمانان به طور عموم و به ویژه خواهران مسلمان توصیه می‌کنم بهتر است که از [پوشیدن] این لباسها اجتناب کنند زیرا این امر تقلید از غیر مسلمانان است، و موجب ظاهر شدن قسمت‌هایی از بدن می‌شود. روی آوردن زنان به لباسهای مد روز، غالباً مستلزم تغییر آداب و رسوم مسلمانان است که دینمان پیروی از آداب و رسوم دیگران به ویژه غیر مسلمانان، حرام کرده است»^۲.

^۱ - کتاب «مجموع الفتاوی»، (۳۲۹/۲۵).

^۲ - قسمتی از فتوای شیخ رحمته الله در کتاب «الفتاوی الجامعه للمراه المسلمه»، (۸۶۱/۳).

مظاهر تقلید از غیر مسلمانان در خودآرایی:

از جمله آنها برای مثال:

۱- قرار دادن حلقه ازدواج در دست راست و انتقال آن به دست چپ در شب

زفاف.

این کار در اصل یک رسم قدیمی مسیحیان بوده است، بدین صورت که داماد حلقه ازدواج را روی انگشت شست دست چپ عروس می‌گذارد و می‌گوید: قسم به پدر، بعد حلقه را روی سر انگشت سبابه می‌گذارد و می‌گوید: قسم به پسر، بعد آن را روی سر انگشت وسط می‌گذارد و می‌گوید: قسم به روح القدس، و زمانی که آمین گفت در مرحله آخر حلقه را در انگشت بنصر^۱ او قرار می‌دهد!

از دلایلی که برای گذاشتن حلقه در دست چپ گفته می‌شود این است که یک رگ خونی که مستقیم به قلب وصل است در این دست قرار دارد!^۲

چیزی که جای تاسف دارد [این است که] بسیاری از ما به این رسم اشتباه که هیچ پایه اسلامی ندارد پای بندیم، و همان طور که قبلاً گفتیم این امر از اصلی‌ترین اعتقادات باطله نصاری می‌باشد.

ممکن است بگویند: منظور من پیروی از این اعتقادات باطل نیست - العیاذ بالله - و فقط یک عادت اجتماعی است نه بیشتر.

^۱ - بُنْصُر: انگشتی که بین انگشت وسطی و انگشت کوچک است، و آنرا انگشت انگشتر می‌نامند.

^۲ - برای کسب اطلاع بیشتر به کتاب «آداب الزفاف»، ص ۱۲۳، تالیف شیخ آلبنی مراجعه شود.

در جوابش می‌گویم که: آیا در کتاب و سنت چیزی که مشروعیت استفاده از حلقه را تعیین کرده باشد، وجود دارد؟ آیا زنان پیامبر ﷺ و دختران ایشان و زنان صحابه رضوان الله تعالی علیهن اجمعین، این کار را انجام داده‌اند؟

در ادامه آیا دوستی و صداقت جزئی از اعتقادات اهل سنت و جماعت نیست؟ آیا ما خواستار مخالفت با غیر مسلمانان در روش زندگیمان نیستیم؟ خداوند می‌فرماید:

﴿يَتَّيَّبُهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَرَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٥١﴾﴾ (المائدة: ۵۱).

«ای مومنان! یهودیان و نصاری را به دوستی نگیرید [و به طریق اولی آنان را به سرپرستی نپذیرید]. بعضی از آنها دوست گروه دیگرند. [و در دشمنی با شما یکسان و برابرند] هر کس از شما با ایشان دوستی ورزد [و آنان را به سرپرستی بپذیرد] بیگمان او از زمره ایشان به شمار می‌آید. بی‌تردید خداوند چنین افراد ستمگری را [به سوی ایمان] هدایت نمی‌کند.»

وقتی که این عادت اجتماعی پایه شرعی ندارد پس در حقیقت برگرفته از آداب و رسوم غیر مسلمانان می‌باشد.

در این صورت صحیح نیست که به ما نسبت داده شود، و برای ما جایز نیست که از آن پیروی کنیم. زیرا پیامبر ﷺ می‌فرماید: «من تشبه بقوم فهو منهم»، «کسی که از گروهی تقلید کرد از جمله آنهاست»، و همچنین پیامبر - علیه الصلاه والسلام - فرمودند: «لیس

منا من تشبه بغیرنا، لا تشبهوا بالیهود ولا بالنصاری...»^۱، «کسی که از غیر از ما [مسمانان] تقلید می‌کند از ما نیست، از یهود و نصاری تقلید نکنید...».

در فتاویٰ شیخ عبدالعزیز بن باز رحمته الله درباره حکم استفاده از حلقه چنین آمده است که: برای این کار در شریعت اساسی وجود ندارد، و ترک آن بهتر است و فرقی نمی‌کند که حلقه از جنس نقره باشد و یا از چیز دیگری باشد^۲. بلکه استفاده از حلقه تا حدی مهم و خطرناک است که ممکن است به حد شرک برسد!

علامه شیخ محمد بن صالح بن عثمان رحمته الله گفته‌اند: «استفاده از حلقه برای مردان و زنان یک بدعت است، و شاید از کارهای حرام باشد، به این دلیل که بعضی از مردم معتقدند که حلقه باعث ادامه پیدا کردن محبت بین زن و شوهر می‌شود، و گفته می‌شود بعضی از آنها اسم همسر را بر روی حلقه شوهر و اسم شوهر را بر روی حلقه همسر می‌نویسند، گویا می‌خواهند علاقه ما بین آنها بیشتر شود و این یکی از انواع شرک است. زیرا آنها به امری اعتقاد پیدا کرده‌اند که خداوند آن را نه در تقدیر و نه در شریعت به عنوان یک وسیله قرار نداده است. پس چه رابطه‌ای بین این حلقه با دوستی و محبت وجود دارد؟»

چه بسیارند زوجهایی که حلقه دارند ولی در گرفتاری و نگرانی و سختی به سر می‌برند. پس حلقه به خاطر وجود این عقیده فاسد نوعی از شرک است و حتی بدون داشتن این عقیده، [این کار] تقلید از غیر مسلمانان است، به این دلیل که حلقه از

^۱ - قسمتی از حدیثی که ترمذی آن را تخریج کرده و آلبانی حسن شمرده است.

^۲ - قسمتی از فتاویٰ شیخ رحمته الله در کتاب «فتاویٰ اسلامی»، (۴/۲۵۰).

نصاری گرفته شده است و بر این اساس بر مؤمن واجب است از هر چیزی که موجب ایجاد خلل دینش می‌شود پرهیز کند.^۱

۲- کوتاه کردن و مرتب کردن موها به سبک موهای زنان غیرمسلمان:

از جمله مسایلی که در بین ما [زنان] شایع شده است: کوتاه کردن مو می‌باشد، و علماء درباره آن نظر می‌دهند ولی همه آنها هم رأی هستند که کوتاه کردن مو به منظور تقلید [از کفار] حرام است.

از شیخ صالح فوزان - حفظه الله - درباره حکم کوتاه کردن مو براساس مدلهای برگرفته شده از غرب پرسیده شد، در جواب، ایشان - حفظه الله - چنین فتوا داده‌اند: «اگر کوتاه کردن مو به دلیل تقلید از زنان کافر و فاسق باشد، شکی در حرام بودن آن نیست، هر چند که بین زنان مسلمان شیوع داشته باشد، بدین علت که اصل آن که تقلید کردن است، حرام می‌باشد و شایع بودن [این عمل] آن را مباح نمی‌سازد، زیر رسول الله ﷺ می‌فرماید: «من تشبه بقوم فهو منهم»، «کسی که از گروهی تقلید کرد از جمله آنهاست» و فرموده‌اند ﷺ «لیس منا من تشبه بغيرنا»، «کسی که از غیر از ما [مسلمانان] تقلید کند از ما [مسلمانان] نیست». و قاعده کلی این است که هر رسمی که مخصوص کفار است، انجام دادن آن بخاطر تقلید از آنها جایز نیست، برای اینکه تقلید کردن از آنها در ظاهر، نشاندهنده وجود محبت [نسبت به آنها] در باطن می‌باشد. و

^۱ - قسمتی از فتوای شیخ رحمانه در کتاب «فتاوی اسلامی»، (۴/۲۵۰).

خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَاِنَّهُ مِنْهُمْ ۗ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ﴾ (المائدة: ۵۱).

«هر کسی از شما با ایشان [کفار] طرح دوستی و پیمان با آنها بریزد، [و آنان را به سرپرستی بپذیرد] بیگمان او از زمره ایشان بشمار می‌رود و شک نیست که خداوند چنین افراد ستمگر را [به سوی ایمان] هدایت نمی‌کند» و پیروی کردن از آنها، [بخاطر] دوست داشتن آنها است، و از نشانه‌های دوست داشتن، تقلید کردن از آنها می‌باشد»^۱.

شیخ صالح فوزان - حفظه الله - در فتوای دیگری به تفصیل گفته‌اند: «برای زن جایز نیست که موهای پشت سرش را کوتاه کند و موهای دو طرف سر را بلند نگهدارد. زیرا این کار باعث بد ترکیب شدن می‌شود و کار بیهوده‌ای است. زیرا که مو بخشی از زیبایی زن می‌باشد، و الگو گرفتن از زنان کفار است. همچنین کوتاه کردن مو براساس مدل‌های مختلفی که به اسم زنان کافر و یا حیوانات می‌باشد جایز نیست، مثل مدل موی (دیانا) که اسم یک زن کافر است، و مدل موی (شیری) یا (موشی). تقلید از زنان کافر و حیوانات [در مدل مو] به این خاطر حرام است که کار بیهوده‌ای است نسبت به موی زن که بخشی از زیبایی او محسوب می‌شود»^۲.

۳- استفاده از کلاه گیس:

از جمله مواردی که استفاده از آن برای تزیین موی زنان ممنوع می‌باشد، استفاده از کلاه گیس می‌باشد. و آن عبارت است از موی مصنوعی که بعضی از خانمها از آن

^۱ - قمستی از فتوای شیخ فوزان - حفظه الله - در کتاب «فتاوی المرأه المسلمه»، (۵۱۶/۲).

^۲ - فتوای شیخ فوزان - حفظه الله - در کتاب «فتاوی المرأه المسلمه»، (۵۱۷/۲).

استفاده می‌کنند و مدلها و رنگهای مختلفی دارد و کسی که آن را می‌بیند گمان می‌کند که موی طبیعی است. نظر به اینکه این مورد نیز در دایره تقلید از زنان غیر مسلمان قرار می‌گیرد، و حتی با چشم پوشی از انگیزه آن و اگر چه این کار به منظور آراستن خود برای همسر باشد، باز هم این کار حرام است. همانطور که در فتوای هیئت عالی افتاء نقل شده است:

سوال: حکم استفاده زن از کلاه گیس به منظور آراستن خود برای همسرش چیست؟

جواب: هر کدام از زوجین بهتر است که خودشان را به وسیله چیزی که، هر دو نفر آنها دوست دارند و علاقه بین آنها را بیشتر می‌کند، خود را زیبا کنند. ولی این کار باید در حدودی که شریعت اسلام آنرا مباح می‌داند، باشد نه آنچه که حرام است. استفاده از کلاه گیس بین زنان غیر مسلمان رواج پیدا کرده است و آنها در استفاده کردن از آن و خودآرایی با آن شهرت دارند. تا حدی که جزیی از ظاهر و قیافه آنها شده است، پس استفاده کردن از آن برای زن مسلمان و آراستن خود با آن، اگر چه برای همسرش باشد، باز هم تقلید از زنان کافر می‌باشد، و پیامبر ﷺ آنرا ممنوع کرده است و فرموده‌اند: «من تشبه بقوم فهو منهم»، «کسی که از گروهی تقلید کرد از جمله آنهاست» و این دستور درباره کاشتن مو، شدت بیشتری پیدا می‌کند، که پیامبر ﷺ آنرا ممنوع کرده و کسی که آن کار را می‌کند، لعنت کرده است»^۱.

^۱ - «فتاوی الحجاب واللباس والزینة للمراه المسلمه»، ص ۶۸.

۴- رنگ کردن و مش کردن مو:

از جمله مواردی که در جامعه زنان رواج پیدا کرده است رنگ کردن مو به مدلها و رنگهای مختلف است.

موردی که در این زمینه مشروع است، رنگ کردن موی سفید با رنگی بجز رنگ سیاه می‌باشد، طبق این فرموده پیامبر ﷺ: «غَيِّرُوا الشَّيْبَ وَلَا تُشَبِّهُوا بِالْيَهُودِ وَالنَّصَارَى»^۱.
 «[رنگ] موی سفید را تغییر دهید و [در این کار] از یهودیان و نصاری تقلید نکنید». و فرموده‌اند: «غَيِّرُوا الشَّيْبَ وَلَا تُقْرَبُوهُ السَّوَادَ»^۲.

«[رنگ] موی سفید را تغییر دهید و آنرا سیاه نکنید».

حکم شرعی حالت‌های رنگ کردن مو برای آراستن را دکتر شیخ صالح فوزان - حفظه الله - در فتوای زیر بیان کرده‌اند:

سوال: حکم رنگ کردن تمام مو با یکی از رنگهای (قرمز، زرد، سفید، طلایی) چیست؟ و حکم مش کردن مو چیست؟
 (مش کردن مدلی است که از غرب وارد شده و زنانمان آنرا پذیرفته‌اند که عبارت است از رنگ کردن دسته‌های پراکنده مو، با رنگی که مخالف رنگ [اصلی] مو می‌باشد، مانند: سفید یا قرمز یا طلایی. در نتیجه مو رنگارنگ می‌شود، قسمتی از آن رنگ طبیعی دارد و قسمتی دیگر رنگ مصنوعی دارد).

^۱- أحمد و آلبانی آنرا صحیح شمرده است.

^۲- أحمد و آلبانی آنرا صحیح شمرده است.

جواب: رنگ کردن موی سفید مستحب است مگر با رنگ سیاه، مثلاً با حناء و وسمه و ... ولی سیاه کردن موی سفید جایز نیست، بنا به فرموده پیامبر ﷺ: «غَيِّرُوا هَذَا الشَّيْبَ وَجَنِّبُوا السَّوَادَ»، «[رنگ] موی سفید را تغییر دهید و آنرا سیاه نکنید». این حکم برای زن و مرد مشترک است.

اما در مورد موهایی که سفید نیستند، پس به همان شکل و وضعیت اصلی و طبیعی خودشان باقی می‌مانند و تغییر داده نمی‌شوند، ولی اگر بد رنگ باشند، برای بدست آوردن رنگ مناسب، با رنگ کردن، این زشتی مو را از بین می‌برند. اما موی طبیعی که، رنگ آن زشت نیست، آن را به حالت طبیعی خود باقی می‌گذارند. زیرا دلیلی برای رنگ کردن آنها وجود ندارد. اگر رنگ کردن مو به روشی باشد که تقلید از زنان کافر و مدهای وارداتی شمرده شود، شکی در حرام بودن آن نیست و فرقی ندارد که کل موها یک رنگ زده شده باشند یا رنگارنگ باشند، (که همان مش کردن است).^۱

۵- بلند کردن ناخن و لاک زدن:

بلند کردن ناخن دستها و آغشتن آنها به رنگهای جرم‌دار که لاک نام دارد در بین بسیاری از زنان رواج پیدا کرده است. بعضی از علما به عدم مشروعیت این کار فتوی داده‌اند. نمونه‌هایی از این فتواها چنین است:

سوال: کوتاه نکردن ناخنها بیشتر از چهل روز چه حکمی دارد؟

جواب: اگر کسی که این کار را انجام داده به علت پیروی از کفار - که فطرت آنها از راه درست منحرف شده است - اقدام به این کار نماید، این کار حرام است، زیرا

^۱ - کتاب «فتاوی‌ المرأه المسلمه»، (۵۲۰/۲) با اندکی تصرف.

پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «من تشبه بقوم فهو منهم»، «کسی که از گروهی تقلید نماید از جمله آنهاست».

اما اگر کسی که ناخنهایش را بیش از چهل روز نگه داشته است دلیلی به جز پیروی از خواهش درونی نداشته باشد، این کار او مخالف با سرشت طبیعی و مخالف با آنچه که پیامبر ﷺ برای امتشان تعیین کرده‌اند می‌باشد^۱.

سوال: حکم بلند گذاشتن و لاک زدن به ناخن چیست؟ با این آگاهی که قبل از لاک زدن وضو می‌گیریم و بعد از بیست چهار ساعت آنرا پاک می‌کنم.

جواب: بلند گذاشتن ناخنها خلاف سنت است، و از پیامبر ﷺ نقل شده است که فرموده‌اند: «الفطرة خمس: الختان، والاستحداد، وقص الشارب، ونتف الإبط وقلم الأظافر»، «پنج مورد [جزیی از] فطرت هستند: ختنه کردن، و ازاله موی عورت، و کوتاه کردن سبیل، و کندن موهای زائد زیر بغل، و کوتاه کردن ناخنها».

به تاخیر انداختن این کارها بیشتر از چهل روز جایز نیست و از انس رضی الله عنه نقل شده است که گفته‌اند: «وَقَدْ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي قِصِّ الشَّارِبِ وَقَلَمِ الظُّفْرِ وَنَتْفِ الإِبْطِ وَحَلْقِ العَانَةِ أَلَّا نَتْرَكَ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ أَكْثَرَ مِنْ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً».

«پیامبر ﷺ درباره کوتاه کردن سبیل و گرفتن ناخن و کندن موهای زائد زیر بغل و ازاله موی عانه، برای ما تعیین کردند که هیچکدام از آنها را بیشتر از چهل شب به تاخیر نیندازیم»، زیرا بلند گذاشتن آنها شبیه شدن به حیوانات و بعضی از کافران می‌باشد.

^۱ - «الفتاوی الجامعه للمرأة المسلمه»، (۳/۹۱۱).

أما «لاک زدن به ناخن»، ترک کردن این کار بهتر است، و هنگام وضو گرفتن باید آنرا پاک کرد، زیرا مانع رسیدن آب به ناخن می‌شود.^۱

ب) نمونه‌های تقلید زنان از مردان:

۱- پوشیدن لباسهای مردانه:

از جمله کارهایی که برای زنان حرام است: پوشیدن هر لباسی که شکل آن مانند لباسهای مردانه مثل پیراهن، باشد.

از دکتر شیخ صالح فوزان - حفظه الله - درباره حکم پوشیدن لباسهای زنانه‌ای که شبیه لباسهای مردانه است، برای زنان پرسیده شد؟

ایشان - حفظه الله - در جواب گفتند:

نباید لباس زنانه شبیه لباس مردانه باشد، و پیامبر ﷺ زنانی را که از مردان تقلید می‌کنند، و قیافه و ظاهر مردانه به خود می‌گیرند، لعنت کرده‌اند. تقلید کردن زن از مرد در لباس این است که زن لباسهایی را که در عرف هر جامعه از نظر نوع و توصیفات آن به مردان اختصاص دارد، بپوشد.^۲

۲- پوشیدن شلوار:

از مصیبت‌هایی که در سالهای اخیر به آن دچار شده‌ایم، شیوع پوشیدن شلوار در بین گروههای متوسط زنان جامعه است. این نوع لباس با شخصیت زن مسلمان بیگانه است و باعث ترک حیایی که راز زیبایی زن می‌باشد، می‌گردد!

^۱ - «فتاوی المرأ المسلمه»، (۲۴۲/۱).

^۲ - کتاب «فتاوی الجمعه للمرأ المسلمه»، (۸۴۸/۳).

علما درباره حکم پوشیدن شلوار فتوهای بسیاری داده‌اند، برای مثال:

سوال: آیا جایز است که زنان مانند مردان، شلوار بپوشند؟

جواب: زن نباید لباسهای تنگ بپوشد، برای اینکه بدنش را مشخص می‌کند. و این کار فتنه برانگیز است و شلوارها غالباً تنگ هستند و اعضاء بدن را که پوشانده‌اند، نمایان می‌سازند، همچنین شلوار پوشیدن زنان، تقلید آنها از مردان است و پیامبر ﷺ زنانی که خود را شبیه مردان می‌کنند، لعنت کرده‌اند.^۱

سوال: مد جدیدی که بعد از شیوع آن در غرب، هم اکنون در بین زنان [مسلمان] رواج پیدا کرده است، پوشیدن شلوارهای تنگ می‌باشد که با استقبال زیادی از طرف آنها روبرو شده است، حکم این مساله چیست؟

جواب: برای زن پوشیدن چیزی که تقلید از مردان و یا تقلید از زنان کافر می‌باشد و همچنین پوشیدن لباسهای تنگی که اعضاء بدن او را نشان می‌دهد و باعث جلب توجه می‌شود، جایز نیست. و در نتیجه شلوار که تمام این ممنوعیتها را به همراه دارد، پوشیدن آن برای او جایز نیست.^۲

و در فتوای علامه شیخ محمد بن صالح بن عثیمین رحمته الله: درباره این موضوع، مساله‌ای را توضیح داده‌اند که بسیاری از زنان نسبت به آن بی‌اطلاع هستند، و گفته‌اند: و حتی اگر شلوار گشاد باشد، باز هم به دلیل اینکه تشخیص دادن هر کدام از پاها از یکدیگر دارای وجهی از پوشیده نبودن است، [پوشیدن آن جایز نیست] و دیگر اینکه

^۱ - «فتاوی المرأ المسلمه»، (۳/۸۵۰).

^۲ - فتاوی شیخ صالح فوزان در کتاب «فتاوی المرأ المسلمه»، (۱/۴۳۸).

این ترس وجود دارد که [پوشیدن شلوار گشاد] تقلید زنان از مردان باشد، به این دلیل که شلوار از لباسهای مردانه است^۱.

آیا بعد از این مجالی برای تفکر باقی می‌ماند! پس هنگامی که پوشیدن شلوار به هر صورتی که باشد، و حتی اگر شلوار گشاد باشد، جایز نیست، و دیگر چه اصراری بر پوشیدن آن است؟ و چرا از ترک آن شانه خالی می‌کنیم؟ و کسی که آن را می‌پوشد، جز گناهان پی در پی چه چیزی به دست می‌آورد؟ مثل گناه پوشیدن شلوار، و گناه چشمهای که به آن نگاه می‌کنند، و گناه هر زن مسلمانی که در پوشیدن لباس از آن تقلید می‌کند!

نمونه‌های تقلید زنان از مردان در خودآرایی:

اولاً: کوتاه کردن مو مانند مردان:

در میان جریانهای وارداتی از سوی غیر مسلمانان، با تاسف بسیار، ملاحظه می‌شود که بعضی از دختران جوان اقدام به کوتاه کردن موهایشان به سبک موهای مردان می‌کنند که به اسم «اصلاح مردانه» مشهور است.

این نوع کوتاه کردن مو حرام است، برای اینکه تقلید از مردان است و در فتوای علامه شیخ محمد بن صالح بن عثیمین رحمته الله که در پایین ذکر شده آمده است:

سوال: حکم کوتاه کردن مو برای زنان چیست؟

جواب: اگر کوتاه کردن موی سر تا حدی باشد که مانند موی سر مردان بشود، این کار، حرام و از جمله گناهان کبیره است، به این دلیل که پیامبر صلی الله علیه و آله زنانی که خود را

^۱ - به تفصیل فتوی در کتاب «الفتاوی الجامعه للمرأة المسلمه»، (۳/۸۵۲) مراجعه شود.

شبییه مردان می‌کنند، لعنت کرده‌اند. ولی اگر کوتاه کردن موی سر به این حد نرسد، در مورد آن بین علما اختلاف نظر وجود دارد، و قول مشهور عقیده امام احمد است که این کار را مکروه دانسته است، و کوتاه کردن موی سر را برای زن، چه از جلو سر و چه از قسمت پشت سر، مکروه دانسته است، و زمانی که [این کوتاه کردن مو] به حدی برسد که شبیه موی سر مردان شود، و همچنین اگر زن موی سرش را مانند موی سر زنان کافر کوتاه کند، حرام می‌باشد. زیرا پیامبر ﷺ فرموده است: «من تشبه بقوم فهو منهم»، «کسی که از گروهی تقلید کرد از جمله آنهاست»^۱. و دیده شده است، زنی که لباس مردانه می‌پوشد و موهایش را مثل موی آنها کوتاه می‌کند، در صحبت کردن و راه رفتن و دیگر حرکاتش، عمدی یا غیر عمدی مانند مردها عمل می‌کند! و منشأ اخلاقیهای منحرفی که، امروزه از بعضی از دختران سر می‌زند، این امور هستند.

پس خواهر مسلمانم از این مسایل که مورد لعن و نفرین هستند و باعث دوری از رحمت خداوند - عزوجل - می‌شوند، پرهیز کن.

رابعاً: پرهیز از محرمات:

یکی از مهمترین مواردی که درباره لباس و آرایش در نظر گرفته شود، اجتناب از هر چیزی است که دین حنیف اسلام آنرا در مورد لباس و آرایش حرام کرده است، می‌باشد. که این امور دو دسته هستند.

^۱ - کتاب «فتاوی المرأه المسلمه»، (۵۱۳/۲).

الف: مواردی که پوشیدن آنها حرام است:

زن مسلمان باید بسیار دقت کند تا از هر آنچه که خداوند در زمینه لباس و زینت حرام نموده‌اند، فاصله بگیرد، برای مثال:

۱- پوشیدن لباسی که تصویر جاننداری بر روی آن کشیده شده است:

منظور از جانداران، انسانها و حیوانات می‌باشند. و این کار از اعمال ممنوعه‌ای است که بسیاری از زنان مسلمان آنها دست کم گرفته‌اند، تا حدی که در جامعه شیوع پیدا کرده است، برای دست کشیدن از این کار فقط فرموده رسول الله ﷺ کافی است که فرمودند: «لا تدخل الملائكة بيتاً فيه كلب ولا صورة»^۱.

«فرشتگان به خانه‌ای که در آن سگ و تصویر باشد وارد نمی‌شوند».

حکم عکس شامل هر چیزی است که به صورت مجسمه یا غیر آن باشد، همان طور که شیخ محمد بن صالح بن عثیمین رحمته الله: در فتوای زیر به آن اشاره کرده است:

«کسی که این قول به ما بسته که ما گفته‌ایم: حرام بودن تصویر فقط شامل مجسمه می‌شود، و چیزهای دیگر حرام نیستند، به ما دروغ بسته است، و ما می‌بینیم که پوشیدن لباسی که بر روی آن تصویر است، حرام می‌باشد، حال چه لباس بچه‌ها باشد و چه لباس بزرگسالان، و عکس گرفتن برای یادگاری و دلایل دیگر جایز نیست، مگر برای کارهای ضروری که به عکس نیاز دارند، مثل گرفتن شناسنامه و گواهینامه»^۲.

^۱ - متفق علیه.

^۲ - کتاب «الفتاوی الجماعه للمراه المسلمه»، (۸۵۹/۳)، با اختصار.

موردی که موظفیم به آن اشاره کنیم این است که بسیاری از لباسهای کودکان - و اگر نگوئیم همه آنها - دارای تصاویر جانداران هستند، تا جایی که مادران هنگام خرید لباس برای کودکانشان از کثرت لباسهایی با نقش تصاویر جانداران در بازار سرگردان می‌شوند. شاید دلیلی که بازرگانان را به توزیع چنین کالاهایی تشویق می‌کند، استقبال گسترده‌ای است که از طرف زنان با آن روبرو هستند! پس اگر هر زن مسلمانی از خرید لباسهایی که تصاویر جانداران بر روی آنها وجود دارد، چه برای خودش و چه برای فرزندانش باشد، چشم پوشی کند، آیا در این صورت از تجار انتظار استمرار توزیع چنین لباسهای حرامی می‌رود؟

۲- لباسهایی که بدن را نمی‌پوشانند:

یکی از بزرگترین مصیبتهایی که امت اسلامی به آن دچار شده است: سهل انگاری بسیاری از زنان و دختران مسلمان در پوشیدن لباسهایی مانند لباس‌های نازک می‌باشد. که بدن را نمی‌پوشانند و حجم و رنگ بدن را ظاهر می‌کند، و یا به خاطر کوتاه بودن، یا باز بودن این لباسها، باعث می‌شود که بعضی از اجزاء بدن نمایان شود، و یا تنگی آنها حجم بدن را نمایان می‌سازد.

با نظری گذرا به فروشگاه‌های لباس زنانه حجم مصیبتی را که امت، امروزه به خاطر غریب بودن دین، بدان دچار آن شده‌اند برای ما مشخص می‌شود.

به خدا قسم که اشک در چشمان هر مسلمان با غیرتی خشک می‌شود و به زبان حال می‌گوید: آیا این لباس شرم‌آور شایسته جگر گوشه‌های حضرت عایشه و حضرت فاطمه رضی الله عنهما است؟ [در این میان] چیزی که قلب را به درد می‌آورد و جریحه‌دار می‌کند، شدت استقبال بسیاری از زنان مسلمان از این لباسهای زشت می‌باشد، و اینکه آنها در

مقابل محارمشان و زنان دیگر به پوشیدن این لباسها افتخار می‌کنند! لباسهای بلندی که تا قسمت ران چاک دارند، و لباسهای کوتاهی که تا زانوی پا را نشان می‌دهند، و لباسهای نازکی که همه اعضای بدن زیر آنها دیده می‌شود، و لباسهای تنگی که حجم عضوهای بدن را نشان می‌دهند، مثل اینکه هیچ لباسی نپوشیده باشند! و لباسهای شرم‌آوری که سینه و پشت و دستها و رانها را نشان می‌دهند! و حتی لباسهایی که شکم را نشان می‌دهد! پس بعد از این چه چیزی باقی مانده که باید از چشمها پنهان بماند؟! خواهر مهربانم ای گوهر گرانها ... همیشه در نظر داشته باش که تو از طرف دشمنان اسلام، به وسیله این لباسهای - برهنه یا نیم برهنه - مورد هدف قرار گرفته‌ای تا تو را ریشه کن کنند، و از صدف امنت خارج کنند: ﴿حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ﴾. (البقره: ۱۰۹).

«از روی اشک و حسدی که در وجودشان ریشه دوانده است» پس به آنها بر علیه خودت کمک نکن. و این حدیث پیامبر ﷺ از تو پنهان نماند که فرموده‌اند: «صنغان من أهل النار لم أرهما: قوم معهم سياط كأذناب البقر يضربون بها الناس، ونساء كاسيات عاريات مميلات مائلات رؤوسهن كأسنمة البخت المائلة لا يدخلن الجنة ولا يجدن ريحها وإن ريحها ليوجد من مسيرة كذا وكذا»^۱.

«دو گروه از اهل جهنم هستند که آنها را ندیده‌ام: گروهی که شلاقهایی مانند دم گاو به همراه دارند و با آنها مردم را می‌زنند، و زنانی که پوشیده‌اند و [در عین حال] برهنه‌اند و زنانی که به طرف مردها تمایل پیدا می‌کنند، و مردها را به طرف خود جذب

^۱ - مسلم.

می‌کنند [موی] سر آنها مانند کوهان شتر، خمیده است، [این دو گروه] هرگز وارد بهشت نمی‌شوند و بوی آن را هرگز احساس نمی‌کنند در حالی که بوی بهشت از فاصله بسیار دور قابل استشمام می‌باشد».

علامه شیخ محمد بن صالح بن عثیمین رحمته الله گفته‌اند: علماء می‌گویند که معنی این جمله که (پوشیده‌اند و برهنه‌اند) این است که این زنها لباسهای تنگ، نازک و یا کوتاه می‌پوشند.

از جمله اعمال زنان صحابه - رضی الله عنهن - این بوده است که آنها لباسهایی که [بلندیشان] تا قوزک پا می‌رسیده و آستینهای آنها تا میچ دست می‌رسیده می‌پوشیده‌اند، علاوه بر این هنگام رفتن به بازار، لباس بلندتر دیگری زیر آن می‌پوشیده‌اند که کف دست را می‌پوشانده است و یا اینکه دستکش به دست می‌کرده‌اند. پس استفاده از دستکش یکی از روشهای زنان صحابه - رضی الله عنهن - بوده است، با استناد به فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله که زن هنگام احرام بستن، نباید دستکش به دست کند، معلوم می‌شود که اگر استفاده از دستکش در آن زمان متداول نبود، نیازی به نهی کردن از آن در حالت احرام، وجود نداشت»^۱.

اما چیزی که در بین بعضی از طبقات متوسط زنان شایع شده این است که حد پوشش [یا همان عورت] زنان، هنگامی که در میان زنان هستند، به تقلید از حد عورت مردان در میان خودشان، همان حد ناف تا زانو می‌باشد که این گفته هیچ دلیل و اعتباری ندارد.

^۱ - قسمتی از فتوای شیخ در کتاب «الفتاوی الجامعه للمرأة المسلمه»، (۸۵۵/۳).

در فتوای شیخ محمد بن صالح بن عثمان رحمته الله چنین آمده است که:

سوال: حد پوشش [عورت] زن آزاد، برای دایی‌ها و عموها و برادرها در خانه به چه اندازه‌ای می‌باشد؟

جواب: زن برای محارم خود می‌تواند صورت و سر و گردن و ساعد و ساق پای خود را آشکار کند و قسمت‌های دیگر را بپوشاند.^۱
و در فتوای زیر از دکتر شیخ صالح الفوزان - حفظه الله - توضیحات بیشتری ارائه شده است.

سوال: بسیاری از زنان فکر می‌کنند که حد پوشش زن در میان زنان از ناف تا زانو می‌باشد، پس بعضی از آنها در پوشیدن لباسهای بسیار تنگ و یا لباسهای بازی که قسمت‌های زیادی از سینه و دست‌های آنها را نشان می‌دهد، تردیدی نمی‌کنند، توضیح شما در این باره چیست؟

جواب: آنچه که از زنان مسلمان خواسته می‌شود، فروتنی و حیاست و اینکه الگوی خوبی برای خواهران مسلمانان باشند. در میان جمع زنان آن مقدار از اعضاء خود را آشکار کنند که عادت زنان مسلمان پایبند [به دین] می‌باشد و این کار خیلی بهتر است، برای اینکه سهل انگاری در آشکار کردن قسمت‌هایی که دلیلی برای آشکار کردن آنها وجود ندارد، باعث سهل انگاری بیشتری می‌شود، و به بی‌حجابی - که حرام است - منجر می‌گردد. و الله اعلم.^۲

^۱ - کتاب «فتاوی الحجاب واللباس والزینة للمرأة المسلمة»، ص ۲۲.

^۲ - کتاب «الفتاوی الجامعه للمرأة المسلمة»، (۱۰۴۱/۳).

لباسهای تنگ و کوتاه دختران خردسال نیز به این مورد، ملحق می‌شوند.

در فتوای علامه شیخ محمد بن صالح بن عثیمین رحمته: آمده است:

سوال: بعضی از زنان که خداوند آنها را هدایت کند، بر تن دختران خردسالشان لباسهای کوتاهی می‌پوشند که ساق پای آنها را آشکار می‌کند، و هنگامی که این مادران را نصیحت می‌کنیم، می‌گویند: ما نیز قبلاً این نوع لباسها را می‌پوشیده‌ایم و بعد از اینکه بزرگ شدیم ضرری برای ما نداشته است. نظر شما در این باره چیست؟

جواب: «نظر من این است که بهتر است انسان چنین لباسهایی که کوتاه هستند به دخترانشان نپوشانند، برای اینکه اگر به آن عادت کنند، این کار را ادامه می‌دهند و برای آنها عادی می‌شود، اما اگر از کودکی به داشتن حیا، عادت داده شوند، این حالت تا بزرگسالی در آنها باقی می‌ماند. امری که خواهران مسلمانم را به آن توصیه می‌کنم این است که از پوشیدن لباسهای خارجی‌ها که دشمنان دین هستند، خودداری کنند و دخترانشان را به بر تن کردن لباسهایی عادت بدهند که بدن را می‌پوشاند و آنها را با حیا تربیت کنند، زیرا حیا جزئی از ایمان است»^۱.

۳- لباسهایی که دارای نوشته‌های خارجی و یا تصویرهای حرام هستند:

امروزه در بازارها، لباسهایی که دارای تصاویر و شکلهایی مثل صلیب و یا جمله‌هایی که به زبانهای بیگانه نوشته شده است و در بر دارنده معانی فاسد اعتقادی و اخلاقی هستند، و با دین ما در تعارض‌اند، به طور چشم‌گیری پخش شده است.

از شیخ محمد بن صالح بن عثیمین رحمته: پرسیده شده است که:

^۱ - کتاب «الفتاوی الجامعه للمرأة المسلمه»، (۸۵۶/۳)، با کمی تصرف.

سوال: پوشیدن لباسهایی که جملات انگلیسی بر روی آنها نوشته شده و این کلمات شاید معانی بدی داشته باشند، حکم آنها چیست؟ و آیا این کار حکم تقلید را دارد؟

جواب: در ابتدا باید جملات و یا حروفی که به زبانی، غیر از زبان مادری نوشته، معانی آنها را سوال کنیم زیرا ممکن است معانی بد و غیر اخلاقی داشته باشند، لباسهایی که بر روی آنها جملات انگلیسی و یا جملاتی که به هر زبانی به جز زبان مادری نوشته شده است، پوشیدن آنها جایز نیست مگر اینکه شخص از بی‌غرضی این جملات مطمئن شود، و اینکه به شرافت انسان خللی وارد نمی‌کند، و برای تکریم کافران نیست. زیرا که، این نوشته‌ها گاهی برای تجلیل از کفاری مثل بازیکنان فوتبال، بازیگران، مخترعان و ... استفاده می‌شود. پس اگر بر روی لباسها چنین مواردی وجود داشت، پوشیدن آنها حرام است. به همین دلیل قبل از پوشیدن چنین لباسهایی باید معنای کلمات نوشته شده بر روی آنها را پرسید^۱.

پس خواهر مسلمانم، قبل از خریدن لباسهایی که کلمات بیگانه بر روی آنها نوشته شده است، دقت کن تا معنای آنها را متوجه شوی، تا با این کار برای دشمنان اسلام، در گمراه کردن و خدشه وارد کردن به شرافتمان، فرصتی به وجود نیاوریم.

دوم: مواردی که خودآرایی به وسیله آنها حرام است:

از جمله مسایلی اجتناب‌ناپذیر برای زن مسلمان، در مورد دقت کردن او در آرایش و زیبایی‌اش، این است که در پی چیزهای حلال باشد و از هر آرایش حرامی خودداری کند. برای مثال:

^۱ - کتاب «الفتاوی الجماعه للمراه المسلمه»، (۸۵۷/۳).

۱- برداشتن ابرو:

ابرو برداشتن از کارهای حرامی است که در بین زنان و دختران به طور چشم‌گیری رواج پیدا کرده است ... و از جمله گناهان کبیره می‌باشد، بنابر قول کلی عبدالله بن مسعود رضی الله عنه که گفته است: زنانی که بر روی بدن دیگران خالکوبی می‌کنند و زنانی که خالکوبی بر روی آنها انجام می‌شود و زنانی که ابرو برمی‌دارند و زنانی که برای زیبایی بین دندانهای خود فاصله ایجاد می‌کنند و آفرینش خداوند تعالی را تغییر می‌دهند، خداوند بر آنها لعنت فرستاده و من چرا نباید کسانی را که پیامبر صلی الله علیه و آله بر آنها لعنت فرستاده‌اند، نفرین کنم و در قرآن آمده است که ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ﴾. (الحشر: ۷).

«اموری را که پیغمبر برای شما [از احکام الهی] آورده است اجرا کنید»^۱.

حتی اگر برداشتن ابرو به منظور خودآرایی برای همسر باشد [ممنوع است]. همانطور که شیخ محمد بن صالح بن عثیمین رحمته الله فتوی داده‌اند، هنگامی که درباره حکم برداشتن ابرو مخصوصاً وقتی که ابروها پهن هستند و باعث ناراحت شدن شوهر می‌شوند، از ایشان پرسیده شد که: آیا این کار به منظور آراستن خود برای شوهر درست است؟

ایشان: جواب دادند که: برداشتن ابرو جایز نیست و رسول خدا صلی الله علیه و آله کسی را که ابروی دیگران را بر می‌دارد و کسی که از دیگران می‌خواهد تا ابروی او را بردارند و یا خودش این کار را انجام می‌دهد، نفرین کرده‌اند، و این عمل حرام است و خداوند برای

^۱ - البخاری.

آنچه که مقدر کرده‌اند حکمتی دارند. پس بعضی از مردم ظاهر زیبایی دارند، و بعضی دیگر این چنین نیستند، و همه کارها به دست خداوند - عزوجل - صورت می‌گیرد و بر شخص واجب است که صبر کند، و اجر خود را از خداوند - عزوجل - بگیرد و به خاطر رسیدن به خواسته‌هایش به حرام نیفتد. نباید هیچ کس موی ابروی را بکند مگر زمانی که مو در قسمتهایی خارج از ابرو روییده باشد، مثل خالی که روی آن مو روییده است، پس می‌تواند این موها را از بین ببرد، که در این صورت از بین بردن یک نقص زشت می‌باشد، و خودآرایی نیست.^۱

امروزه روشی در بین زنان رواج پیدا کرده است که «تاتو، tattoo» نامیده می‌شود و با آن به ابروها یک شکل دائمی می‌دهند و این کار بوسیله پخش کردن سرمه در زیر پوست با استفاده از سوزن به روش اتوماتیک صورت می‌گیرد که بیشتر از یکسال دوام دارد هزینه هنگفتی را در پی دارد.

این کار به دلیل تغییر دادن اصل خلقت و زیان استفاده از مواد شیمیایی برای ابرو حرام می‌باشد.^۲

برداشتن ابرو، شامل کردن و کوتاه کردن ابرو نیز می‌شود، همانطور که در فتوای شیخ محمد به صالح بن عثیمین رحمته‌الله: آمده است:

سوال: حکم کوتاه کردن و یا برداشتن بعضی از قسمتهای ابرو چیست؟

جواب: برداشتن ابرو از گناهان کبیره است، و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کسی که ابروی دیگران را بر می‌دارد، و کسی که از دیگری می‌خواهد که ابروی او را بر دارند، نفرین کرده‌اند. و

^۱ - کتاب «الفتاوی منار الاسلام»، (۳/۳۸۲).

^۲ - به کتاب «ضوابط هامه فی زینه المرأه»، ص ۳۴، مراجعه شود.

پیامبر ﷺ این کار را به زنان اختصاص داده‌اند، زیرا زنان هستند که از این عمل برای زیبایی استفاده می‌کنند، اگر مردی این کار را انجام دهد، این مرد نیز همانند زنان ملعون می‌باشد - والعیاذ بالله - و علما کوتاه کردن ابرو را همانند برداشتن ابرو، می‌دانند برای اینکه آفریده خداوند را تغییر می‌دهد، و برداشتن و کندن موی ابرو با کوتاه کردن آن تفاوتی ندارد. بی‌تردید بهتر است از انجام این کار خودداری شود، و فرد مسلمان اعم از زن و مرد باید از آن اجتناب نماید^۱.

از جمله مواردی که به این موضوع مربوط می‌شود «رنگ کردن ابرو» می‌باشد و به تازگی در بین زنان رواج پیدا کرده است، و بدین ترتیب که: زن شکل معینی را که برای ابروی خود در نظر گرفته است، مشخص می‌کند و سپس موهای زاید بالا و پایین ابرو را به رنگ پوست خود در می‌آورد، به طوری که از فاصله دور شکل آن مانند ابرو برداشتن است. این عمل طبق فتوای هیئت عالی افتا، حرام می‌باشد: بعد از تحقیقاتی که کمیته برای فتوی دادن [درباره این موضوع] انجام داد، چنین جواب داد که: هم رنگ کردن بالا و پایین ابروها به روش ذکر شده ممنوع است، زیرا این عمل تغییر آفریده خداوند سبحان می‌باشد، و بدلیل مشابهت آن با برداشتن ابرو از نظر شرعی حرام است، و اگرچه این کار در معنی شبیه به ابرو برداشتن است، و اگر این کار تقلیدی از کفار باشد و یا استفاده از آن برای بدن و مو ضرر داشته باشد، حرمت آن بیشتر است. زیرا خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾. (البقره: ۱۹۵).

^۱ - کتاب «فتاوی‌المراه المسلمه»، (۲/۵۳۶).

«خود را با دست خویش به هلاکت نیفکنید» و پیامبر ﷺ فرموده است: «لا ضرر ولا ضرار»، «نه ضرر ببینید و نه ضرر برسانید». وبالله التوفیق^۱.

مواردی که زیر مجموعه ابرو برداشتن که عملی حرام است، نمی‌شود عبارتند از: زایل کردن موهایی که در قسمت‌های غیر معمول از بدن می‌رویند، مانند سبیل در آوردن در خانمها، و روییدن مو بر روی گونه‌ها که از بین بردن آنها به این دلیل که بر خلاف عادت‌اند و برای زن زشت می‌باشد، اشکالی ندارد^۲.

خلاصه مطالب: دستکاری بیهوده ابرو اعم از برداشتن و کوتاه کردن آن حرام است. به این دلیل که سبب دور شدن از رحمت خداوند - عزوجل - می‌شود. پس خواهر عزیزم آیا ما از رحمت خداوند - عزوجل - در دنیا و آخرت بی‌نیاز هستیم؟ در حالی که خداوند هیچ کس را بدون رحمت خودش وارد بهشت نمی‌کند، پس چگونه در مرتکب شدن به گناهانی که بین ما و رحمت خداوند - عزوجل - فاصله می‌اندازند، سهل‌انگاری می‌کنیم؟

۲- خالکوبی:

بدین صورت است که پوست را با سوزن سوراخ می‌کنند تا اینکه از آن خون بیاید، سپس جای سوزن را با سرمه و یا رنگ نیلی و یا جوهر و یا چیزهای دیگر پر می‌کنند، در نتیجه محل خالکوبی شده سبز و یا آبی می‌شود. مردم در استفاده از خالکوبی تنوع به

^۱ - به فتوای شیخ ابن عثیمین در کتاب «فتاوی المرأ المسلمه»، (۵۳۶/۲)، مراجعه شود.

^۲ - فتوای هیئت عالی افتاء شماره (۲۱۷۷۸) در تاریخ ۱۴۲۱/۱۲/۲۹ ه. ق.

خرج می‌دهند و بعضی از آنها بر روی دستشان قلب و یا اسم کسی را که دوستش دارند، می‌نویسند. و بعضی از زنان لبهای خود را برای همیشه به رنگ سبز در می‌آورند. خالکوبی با استناد به عباراتی که انجام دهنده این کار را نفرین کرده‌اند، حرام می‌باشد. زیرا استفاده از لعنت برای کارهای غیر حرام، کاربردی ندارد.^۱

این مطلب از حدیث ابن مسعود رضی الله عنه که در بخش ابرو برداشتن به آن اشاره کردیم، برداشت می‌شود.

دلایلی که به وسیله آنها خالکوبی حرام شده است عبارتند از: تغییر آفریده خداوند - تعالی - و همچنین باقی ماندن جای سوزن کوبی، و همچنین به درد آوردن عضو زنده، و اذیت شدن انسان، بدون دلیل که نیازی به آن وجود داشته باشد.^۲ در جواب این سوال که حکم خالکوبی چیست و آیا دختر بچه‌ای که خالکوبی بر روی او انجام شده گناهی دارد؟ شیخ محمد بن صالح بن عثیمین رحمته الله گفته‌اند: خالکوبی حرام است و از جمله گناهان کبیره می‌باشد، به این دلیل که پیامبر صلی الله علیه و آله کسی که خالکوبی را بر روی دیگران انجام می‌دهد و کسی که از دیگران می‌خواهد تا بر روی او خالکوبی انجام دهند، نفرین کرده‌اند، پس زمانی که بر روی دختر خردسالی، خالکوبی انجام شود و این در حالی است که خودش نمی‌تواند مانع این کار شود، پس او هیچ گناهی ندارد، و کسی که این کار را با او کرده است گناهکار می‌باشد. زیرا خداوند از هر شخصی به اندازه توانایی‌اش انتظار دارد و او را مؤاخذه می‌نماید. این دختر خردسال نمی‌تواند از این کار جلوگیری

^۱ - کتاب «ضوابط هامة فی زينة المرأة»، ص ۳۶.

^۲ - منبع سابق ص ۳۶.

کند ولی کسی که این کار را با او انجام داده گناهکار است، و این شخص باید خالکوبی را در صورتی که به او آسیبی نرسد، پاک کند.^۱

۳- فاصله انداختن بین دندانها:

امام شوکانی رحمته الله گفته‌اند: فاصله انداختن بین دندانها معمولاً برای ایجاد فاصله بین دندانهای جلو با بقیه دندانها انجام می‌شود، زنان که سنسال برای جوانتر جلوه دادن خود اقدام به این کار می‌کنند. به این دلیل که این فاصله کم بین دندانها مخصوص دختران کم سن و سال می‌باشد، و زن زمانی که پیر شد و سنش بالا رفت از این کار برای خوش سیما شدن خود و اینکه خود را در نظر دیگران کم سن و سال جلوه دهد، استفاده می‌کند. با توجه به حدیث ابن مسعود رضی الله عنه که قبلاً ذکر شد، این عمل حرام است. دلیل حرام بودن این کار، استفاده از آن به منظور خودآرایی می‌باشد. اما اگر این کار به منظور درمان انجام شود مشکلی ندارد. چنانکه در فتوای دکتر شیخ صالح فوزان - حفظه الله - ذکر شده است: برای زن مسلمان فاصله انداختن بین دندانها به منظور ایجاد زیبایی حرام می‌باشد، که این کار با تراشیدن دندان و ایجاد فاصله‌های کم به منظور زیباتر شدن استفاده می‌شود، ولی اگر دندانها نامنظم‌اند و به مرتب شدن نیاز داشته باشند و یا اینکه دچار کرم خوردگی شده‌اند و نیاز به ترمیم دارند، این کار مشکلی ندارد، برای اینکه این عمل با هدف درمان و از بین بردن مشکل دندانها توسط پزشک متخصص انجام می‌شود.^۲

^۱ - کتاب «فتاوی منار الإسلام»، (۳/۸۳۰).

^۲ - کتاب «الفتاوی الجامعه للمرأة المسلمه»، (۳/۸۶۸).

حکم تراشیدن دندان، شامل ارتودنسی کردن دندان که به تازگی در بین مردم رواج پیدا کرده نمی‌شود. از دکتر شیخ صالح فوزان - حفظه الله - سوال شد که آیا ارتودنسی کردن دندانهایی که نامرتب هستند جایز است؟

ایشان در جواب گفته‌اند: زمانی که دندانها نامرتب‌اند و نیاز به برطرف کردن این مشکل دیده می‌شود، اشکالی ندارد، ولی هنگامی که به این کار نیازی نیست. انجام دادن آن ممنوع می‌باشد، و بلکه از تراشیدن دندان و فاصله انداختن بین آنها نهی شده است، و این کار به علت بیهوده بودن آن، و ایجاد تغییر در آفریده خداوند ممنوع است، ولی شخص برای برطرف کردن مشکل دندانها و همچنین برای زمانی که بدون مرتب کردن دندانها نمی‌تواند غذا بخورد، می‌تواند از این عمل استفاده کند^۱.

۴- استفاده از طلایی که به شکل مجسمه حیوانات در آمده است:

این کار از جمله مسایلی است که بعضی از زنان نسبت به آن سهل‌انگاری می‌کنند. در فتوای شیخ محمد بن صالح بن عثیمین رحمته الله: آمده است:

سوال: حکم خرید و فروش قطعه طلایی که بر روی آن تصویری حک شده است و یا به شکل‌های مختلفی مانند پروانه و یا سر مار و چیزهای دیگر درآمده است، چیست؟
جواب: خرید و فروش و استفاده از زیورآلاتی مانند طلا و نقره که به شکل حیوانات درآمده است، حرام است، زیرا شکستن و نابود کردن مجسمه‌ها بر هر مسلمانی واجب است، در صحیح مسلم از ابوالهیاج نقل شده است که حضرت علی رضی الله عنه به او گفت: «آیا تو را به انجام کاری که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم من را نیز مامور انجام دادن آن کرده

^۱ - منبع سابق (۱۶۹/۳).

است، راهنمایی کنم؟ اینکه هر مجسمه‌ای را که دیدی آنرا بشکن و هر قبری که بالاتر از سطح زمین بود آنرا با زمین هم سطح کن». و از پیامبر ﷺ نقل شده است: «أَنَّ الْمَلَائِكَةَ لَا تَدْخُلُ بَيْتًا فِيهِ صُورَةٌ»، «فرشتگان وارد خانه‌ای که در آن عکس و مجسمه باشد، نمی‌شوند». بنابراین مسلمانان از خرید و فروش و استفاده از چنین زیورآلاتی باید اجتناب کنند^۱.

۵- استفاده از طلایی که آیات قرآن بر روی آن حک شده است:

گروهی از زنان طلاهایی می‌خرند که بعضی از آیات قرآن بر روی آنها حک شده است و برای خود و یا فرزندانشان از آن استفاده می‌کنند. و در فتوای شیخ عبدالله بن حمید رَحِمَهُ اللهُ آمده است که:

سوال: حکم نوشتن آیه الکرسی و کلمه الله و محمد ﷺ بر روی طلایی که زنان و کودکان از آن استفاده می‌کنند، چیست؟ آیا بردن آن به داخل دستشویی جایز است؟

جواب: این کار اشتباه است، قرآن برای کارهای بیهوده‌ای مثل حک شدن بر روی طلا و ظرف و موارد دیگر نازل نشده است، بلکه خداوند قرآن را برای شفای بیماری‌های معنوی و هدایت مردم و نصیحت مومنان نازل کرده‌اند. قرآن را برای نوشته شدن بر روی زیورآلات و لباسها نازل نشده است تا آن را به داخل دستشویی‌ها ببرند، در نتیجه این کار حرام است، و نباید صورت بگیرد. قرآن بسیار بزرگتر و منزه‌تر از آن است که برای این کارهای پست استفاده شود، بلکه خداوند قرآن را برای هدایت بشری، نازل

^۱ - کتاب «فتاوی اسلامیة»، (۲/۳۶۰).

نموده‌اند. خداوند تعالی می‌فرماید: ﴿وَنَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾. (الإسراء: ۸۲).

«و ما آیاتی از قرآن را فرو می‌فرستیم که مایه بهبودی [دلها از بیماریهای نادانی و گمراهی و پاکسازی درونها از کثافت هوس و آزمندی و تباهی] و رحمت مومنان به سبب در برداشتن ایمان و رهنمودهای پر خیر و برکت یزدان] است ولی بر ستمگران [کافر، به سبب ستیز نور حق و داشتن روح طغیان] جز زیان نمی‌افزاید». پس استفاده از قرآن به این شیوه حرام می‌باشد، و باید نوشته‌های قرآن را از روی طلا و چیزهای دیگر پاک کرد. زیرا باعث بی‌حرمتی به قرآن می‌شود، و وارد شدن با قرآن به داخل دستشویی و حمام، به هر شکلی حرام است. بلکه چنانکه علما گفته‌اند به خاطر احترام و تعظیم مقام قرآن باید از این کارها جلوگیری کرد، والله اعلم^۱.

ولی اگر منظور زن از نوشتن قرآن جلوگیری از چشم زخم و حسد نسبت به خود و فرزندان باشد - که در اکثر موارد این چنین است - دچار لغزش اعتقادی خطرناکی شده است. زیرا این کار حکم تعویذ نوشتن را پیدا می‌کند که پیامبر ﷺ درباره آن فرموده‌اند: «من علق تميمه فقد أشرك»^۲.

«کسی که از تعویذ استفاده و آن را آویزان کند، شرک ورزیده است».

^۱ - کتاب «فتاوی المرآه المسلمه»، (۴۵۸/۱).

^۲ - أحمد و آلبانی آنرا صحیح شمرده است.

و در فتوای هیئت عالی افتاء چنین ذکر شده است: «استفاده از قرآن برای نوشتن تعویذ به گفته تمام علما حرام می‌باشد»^۱.
بهترین راه برای محفوظ نگه داشتن کودکان از چشم زخم، گفتن تسبیحات روزانه و اوراد نقل شده [از پیامبر ﷺ] و خواندن سوره‌های ناس و فلق است، که بر کودکان خوانده شود و این چیزی است که به اذن خداوند به کودکان نفع می‌رساند [نه استفاده از تعویذ].

۶- کاشتن مو:

کاشتن مو برای زن حرام است، به دلیل حدیثی که از اسماء دختر ابوبکر رضی الله عنها نقل شده است که گفته‌اند: «لعن رسول الله ﷺ الواصلة والمستوصلة»^۲، «پیامبر ﷺ زنی را که عمل مو کاشتن را انجام می‌دهد، و زنی را که این عمل بر روی او صورت می‌گیرد، لعنت کرده‌اند». در فتوای مفصل علامه شیخ محمد بن صالح بن عثیمین رحمته الله: درباره مسائل متعددی که مربوط به کاشتن مو می‌شود، چنین ذکر شده است که: استفاده از کلاه گیس حرام است، و این کار زیر مجموعه مو کاشتن است. اگر چه مثل آن نیست ولی موی سر را برخلاف آنچه که هست نشان می‌دهد، به همین دلیل شبیه به مو کاشتن است. پیامبر ﷺ زنی که عمل مو کاشتن را انجام می‌دهد، و زنی که این عمل بر روی او صورت می‌گیرد، لعنت کرده‌اند. ولی اگر سر زن اصلاً مو نداشته باشد و یا طاس باشد، برای پنهان کردن این عیب استفاده از کلاه گیس اشکالی ندارد. برای اینکه پنهان

^۱ - قسمتی از فتوای هیئت عالی افتاء در کتاب «فتاوی اسلامی»، (۳۱/۱)، با کمی تصرف.

^۲ - البخاری.

کردن نقص جایز است، و به این دلیل که «پیامبر ﷺ به شخصی که در یکی از غزوات بینی‌اش قطع شده بود، اجازه دادند از بینی مصنوعی که از جنس طلا بود استفاده کند». پس این مسأله وجه گسترده‌تری پیدا می‌کند، و شامل مسائل خودآرایی و جراحی بینی و غیره می‌شود، پس کارهایی که برای پنهان کردن یک عیب انجام می‌شود، اشکالی ندارد مانند: انجام جراحی بینی برای کسی که انحراف بینی دارد، و از بین بردن خال سیاه. ولی کارهای غیر ضروری مانند: خالکوبی و ابرو برداشتن، حرام است. استفاده بدون دلیل شرعی از کلاه گیس، حتی اگر با اجازه و رضایت همسر باشد، حرام است، به این دلیل که در اموری که خداوند حرام کرده‌اند، هیچ رخصت و اجازه‌ای وجود ندارد!

فرق باز کردن مو از بغل:

یکی از بخشهای مهمی که به خودآرایی زن مربوط می‌شود، دانستن حکم فرق باز کردن مو از بغل که بعضی از زنها این کار را انجام می‌دهند می‌باشد. از شیخ محمد به صالح بن عثیمین رحمته الله: درباره حکم فرق باز کردن موی سر برای زنان پرسیده شد؟

در جواب ایشان گفتند: در فرق باز کردن موی سر، مرسوم باز کردن فرق مو از وسط می‌باشد. موی سر در جهت‌های مختلف جلو و عقب و چپ راست رشد دارد. فرق باز کردن از وسط نوع مشروع این عمل می‌باشد، ولی فرق باز کردن مو از بغل مشروعیت ندارد، و شاید نوعی تقلید از غیر مسلمانان باشد، و این عمل ممکن است

^۱ - کتاب «فتاوی المرأه المسلمه»، (۵۱۸/۲).

شامل حکم حدیث پیامبر ﷺ شود که فرموده‌اند: «صنفان من أهل النار لم أرهما بعد، قوم معهم سياط كأذناب البقر يضربون بها الناس، ونساء كاسيات عاريات مائلات مميلات رؤوسهن كاسنمة البخت المائلة لا يدخلن الجنة ولا يجدن ريحها»، «دو گروه از اهل جهنم هستند که هنوز آنها را ندیده‌ام، گروهی که شلاقهایی مانند دم گاو به همراه دارند و با آنها مردم را می‌زنند، و زنانی که پوشیده‌اند و [در عین حال] برهنه‌اند، و زنانی که به طرف مردها تمایل پیدا می‌کنند و مردها را به طرف خود جذب می‌کنند [موی] سر آنها مانند کوهان شتر، خمیده است، [این دو گروه] هرگز وارد بهشت نمی‌شوند، و بوی آنها هرگز احساس نمی‌کنند»، پس برخی از علما در توضیح «المائلات المميلات» گفته‌اند: آنها زنانی هستند که موهای خود را به بغل شانه می‌کنند، و موهای دیگران را نیز این چنین شانه می‌کنند. ولی نظر درست این است که منظور از «المائلات» زنانی هستند که از وظایف دینی که بر آنها واجب است و همچنین از حیا داشتن، منحرف شده‌اند و دیگران را نیز منحرف می‌کنند، و الله أعلم^۱.

۷- جمع کردن مو بر بالای سر (شینینون):

تعدادی از زنان تمام موی سر را بالای سرشان جمع می‌کنند، یا آن را تاب می‌دهند و پشت سرشان جمع می‌کنند. در فتوای علامه شیخ محمد به صالح بن عثمان رحمته الله: برای سوال جمع کردن مو بر بالای سر که «شینینون» نامیده می‌شود چه حکمی دارد؟ چنین آمده است:

^۱ - کتاب «فتاوی المرأه المسلمه»، (۲/۵۳۰).

ایشان: گفته‌اند: علماء این نظر را دارند که جمع کردن مو در پشت سر شامل حکم نهی و تعذیری می‌شود که در گفته پیامبر ﷺ آمده است: «صنفان من أهل النار لم أرهما بعد»، «دو گروه از اهل جهنم هستند که هنوز آنها را ندیده‌ام»، و در این حدیث آمده است: «ونساء كاسيات عاريات مائلات مميلات رؤوسهن كأسنمة البخت المائلة»، «و زنانی که پوشیده‌اند و [در عین حال] برهنه‌اند و زنانی که به طرف مردها تمایل پیدا می‌کنند و مردها را به طرف خود جذب می‌کنند [موی] سر آنها مانند کوهان شتر، خمیده است». بنابراین از جمع کردن مو بر روی سر نهی شده است، ولی ریختن موها بر روی گردن اشکالی ندارد، مگر زمانی که زن می‌خواهد به بازار برود که این حالت نوعی نشان دادن زیبایی می‌باشد، زیرا که موها مشخص می‌شود و باعث بروز فتنه می‌گردد، که این کار جایز نمی‌باشد^۱.

۸- سنجاق موهای تصویردار:

از جمله مواردی که برخی از زنان درباره آن سهل انگاری می‌کنند، خریدن سنجاق موهایی است که دارای تصاویر حیوانات می‌باشد، و این کار مخالفت با نصوص قطعی دینی است که نگهداری تصویر را حرام دانسته‌اند.

دکتر شیخ صالح فوزان - حفظه الله - گفته‌اند: «... استفاده از نوار و سنجاق مو و آلات موسیقی جایز نیست، به این دلیل که استفاده از تصویر در لباس و غیره حرام است مگر تصاویر قالی و فرش که به علت لگدمال شدن و فرسوده شدن، اشکالی ندارند، و وسایل بی بند و باری باید نابود شوند و نوار و سنجاق موی تصویردار نیز که تصاویر

^۱ - کتاب «فتاوی المرأة المسلمة»، (۲/۵۲۷).

غیر اخلاقی بر روی آنها است، به این دلیل که ترویج بی‌بند و باری و تشویق به آن می‌باشد، باید نابود شوند»^۱.

۹- لنزهای رنگی:

برخی از زنان و دختران برای زیبایی از لنزهای رنگی استفاده می‌کنند، و بعضی از آنها رنگ لنزها را مطابق با رنگ لباسشان تغییر می‌دهند.

از دکتر شیخ صالح فوزان پرسیده شد که: حکم استفاده از لنزهای رنگی با توجه به این که قیمت بسیار بالایی نیز دارند، به عنوان وسیله خودآرایی و پیروی از مد چیست؟ ایشان - حفظه الله - در جواب گفته‌اند: استفاده از لنز زمانی که به آن نیاز هست، مشکلی ندارد، ولی هنگامی که به آن نیازی نیست، استفاده نکردن از آن بهتر است. به ویژه زمانی که قیمت آن گران باشد که این کار اسراف و حرام می‌باشد. و از آنجا که رنگ چشم را بدون دلیل غیر واقعی نشان می‌دهد، نوعی فریبکاری می‌باشد^۲.

۱۰- خلخال:

بی‌تردید استفاده از خلخال برای زنها در هنگام خروج از خانه و در حضور نامحرمان، حرام است. خداوند تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ﴾. (النور: ۳۱).

«و آنها هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود، و صدای خلخال که برپا دارند بگوش رسد».

^۱ - کتاب «فتاوی المرأه المسلمه»، (۵۲۸/۲).

^۲ - کتاب «الفتاوی الجامعه للمرأه المسلمه»، (۹۱۶/۳).

ولی استفاده کردن آن نزد همسر جایز است، چنانکه در فتوای شیخ عبدالعزیز بن باز رحمته الله: آمده است که استفاده زن از خلخال نزد همسر و محارمش اشکالی ندارد. زیرا یکی از انواع زیور آلاتی است که زنان استفاده می‌کنند.^۱

۱۱- کفشهای پاشنه بلند:

بسیاری از زنان و دختران کفشهای پاشنه بلند می‌پوشند که قد آنها را بلندتر نشان می‌دهد. در فتوای هیئت عالی افتا آمده است:

پوشیدن کفش پاشنه بلند جایز نیست، برای اینکه زن با پوشیدن آنها ممکن است زمین بخورد و انسان از نظر دینی مامور است که از خطرات فاصله بگیرد و خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾. (البقره: ۱۹۵).

«خود را با دست خویش به هلاکت نیفکنید» و می‌فرمایند: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ﴾.

(النساء: ۲۹).

«خودکشی مکنید» و همچنین این کفشها قد و قامت زن را بلندتر از حد واقعی خود نشان می‌دهد، و باعث نوعی فریبکاری و نمایان شدن زیبایی‌هایی که از ظاهر شدن آنها برای زن مومن نهی شده است، می‌گردد. خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا

^۱ - منبع سابق (۹۱۶/۳).

مَلَكَتْ أَيْمَنَهُنَّ أَوِ التَّبَعِينَ غَيْرِ أُولِي الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا تَخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ^ج وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٣١﴾ (النور: ٣١).

«و آنها نباید زینت خود را آشکار سازند مگر در (۱۲) مورد: برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‌کیششان، یا بردگانشان (کنیزانشان)، یا مردان سفیهی که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند، آنها به هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود (و صدای خلخال که برپا دارند بگوش رسد)، و همگی به سوی خدا بازگرددی ای مؤمنان! تا رستگار شوید»^۱.

۱۲- عطر زدن:

بعضی از زنها و دختران قبل از خروج از منزل اقدام به استعمال عطر می‌کنند که باعث می‌شود توجه مردانی را که در مسیر آنها هستند به خود جلب کنند. از شیخ عبدالعزیز بن باز رحمته الله: پرسیده شد: آیا زن هنگامی که قصد رفتن به مدرسه یا بیمارستان و یا دیدن اقوام و همسایگان را دارد، جایز است که عطر بزند و از منزل خارج شود؟

^۱ - کتاب «الفتاوی الجماعه للمراه المسلمه»، (۹۱۲/۳) با اختصار.

ایشان در جواب گفته‌اند: زن هنگامی که می‌خواهد به مجالس زنانه برود و در مسیر خود با مردها روبرو نمی‌شود عطر زدن برای او جایز است. ولی جایز نیست که عطر بزند و به بازار، که مردها در آنجا هستند برود. پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «أَيُّ امْرَأَةٍ أَصَابَتْ بِخُورًا فَلَا تَشْهَدُ مَعَنَا الْعِشَاءَ»، «هر زنی که عطر زده است پس با ما در نماز عشاء شرکت نکند» و احادیث دیگری در این باره نقل شده است، برای اینکه اگر زن از عطر استفاده کند و در مسیر مردها و مجالس مردانه مانند مسجد باشد توجه آنها را به خود جلب می‌کند، در حالی که زن باید خود را مستور نگه دارد و از خود نمایی پرهیز کند، خداوند می‌فرماید: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾. (الأحزاب: ۳۳).

«و شما در خانه‌های خود بمانید و همچون جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید، اندام و وسائل زینت خود را در معرض تماشای دیگران قرار ندهید». از مظاهر خودنمایی نشان دادن زیبایی‌هایی مانند صورت و سر و غیره می‌باشد.^۱ و برای خودداری از این عمل حدیث پیامبر ﷺ کافی است که می‌فرمایند: «أَيُّ امْرَأَةٍ اسْتَعْطَرَتْ ثُمَّ خَرَجَتْ فَمَرَّتْ عَلَى قَوْمٍ لِيَجِدُوا رِيحَهَا زَانِيَةً وَكُلَّ عَيْنٍ زَانِيَةٌ»، «هر زنی که عطر بزند، سپس [از خانه] خارج شود و از [کنار] گروهی رد شود تا بوی عطر او را احساس کنند، پس او زنا کار است و هر چشمی که او را می‌بیند، زناکار است».

^۱ - کتاب «الفتاوی الجامعه للمرأة المسلمه»، (۹۰۴/۳).

^۲ - أحمد و آلبانی آن را حسن شمرده است.

در پایان:

خواهر عزیزم امیدوارم با ذکر اشتباهات شرعی که بسیاری از زنان در این دوره دچار آن می‌شوند، شما را ناراحت نکرده باشم، و این اندرزهای صادقانه را فقط جهت یادآوری آنها برای خواهران مسلمان بیان کرده‌ام. پس خواهرم تلاش کن تا هر امر مخالف شرعی را که در لباس و آرایش دچار آن شده‌ای، ترک کنی و این مطلب را مد نظر قرار دهی که اگر شخصی کاری را به خاطر خداوند ترک کند خداوند جای گزین بهتری به او می‌دهد.

زیبایی حقیقی زن عبارت است از ایمان، پابندی او به دین پروردگار و شرم از اینکه خداوند - عزوجل - او را در حالت معصیت در هر زمان و مکان ببیند.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

برای ارتباط با مترجم می‌توانید به آدرس زیر تماس بگیرید:

السعودية: الرياض - الرمز البريدي: (١١٧٥٧) ص. پ: (١٥٠١٠٣)

www.aqeedeh.com